

An Examination of the Role of Belief in the Hereafter in Human Development from the Perspective of *Nahj al-Balāghah**

Morteza Abdi Chari¹  Seyyedeh Maryam Ghasemian² Fatemeh Ardeshiri³

Assistant Professor, Research Center for Mahdism and Futures Studies, Islamic Sciences and Culture Academy (ISCA), Qom, Iran (**Corresponding Author**).

m.abdichari@isca.ac.ir

² Graduate of the Level Three at Islamic Seminary in Islamic Theology (Kalām), Qom, Iran.

m.ghasemniah95@gmail.com

³ Deputy Head of Research, Sisters Seminary, Mazandaran Province, Mazandaran, Iran.

f.ardeshiri@whc.ir



Abstract

The belief in the Hereafter (*Ma'ād*) is one of the fundamental doctrines of the monotheistic religions, including Islam. This belief exerts a profound influence on both the worldly and the eternal dimensions of human life. In contemporary society, particularly among young and middle-aged people, the weakening of religious beliefs, inappropriate speech and conduct, the pursuit of personal desires, and similar challenges are increasingly evident. These conditions highlight the need to reinforce and moderate human behavior through remembrance of and belief in the Hereafter. In *Nahj al-Balāghah*, Imam Ali (A.S.) discusses the role of belief in the Hereafter throughout his

* Abdi Chari, M. & Ghasemian, S. M. & Ardeshiri, F. (2025). An explanation of the role of belief in the Hereafter in human development from the perspective of *Nahj al-Balāghah*. *Islamic Knowledge Management*, 6(2), pp. 155–173.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.74976.1112>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2024/07/14 • **Revised:** 2024/10/22 • **Accepted:** 2024/11/09 • **Published online:** 2025/03/10

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



sermons, letters, and sayings. The findings of this study indicate that such belief plays a significant role in shaping both individual and social conduct, encouraging individuals to exercise greater care over their words and actions. It also contributes to strengthening religious convictions and promoting appropriate patterns of behavior within society. Moreover, attention to the consequences of the Hereafter plays a constructive role in fostering a spiritual and faithful way of life, thereby laying the foundation for the development of a morally and spiritually grounded society. From the perspective of Imam Ali (A.S.), belief in the Hereafter makes individuals active, persevering, and resilient; strengthens their sense of duty and responsibility; awakens them from heedlessness; reduces their attachment to worldly life; grants them inner peace; encourages virtuous conduct; and liberates them from the domination of selfish desires and moral vices. One of the principal contributions of this study is its explanation of the role and effects of belief in the Hereafter in both individual and social life and its application to the needs of contemporary society.

Keywords

Hereafter (*Ma'ād*), belief in the Hereafter, individual, social, lifestyle, *Nahj al-Balāghah*.

دراسة حول دور الإيمان بالمعاد في تربية الإنسان من منظور نهج البلاغة*



مرتضى عبيد تشاري^١  السيدة مريم قاسميان^٢ فاطمة أردشيري^٣

١. أستاذ مساعد، معهد بحوث المهدوية ودراسات المستقبل، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران (الباحث المسؤول).

m.abdichari@isca.ac.ir

٢. خريجة المرحلة الثالثة في تخصص علم الكلام الإسلامي، قم، إيران.

m.ghasemnia95@gmail.com

٣. نائبة رئيس قسم البحوث، معهد الأخوات، محافظة مازندران، مازندران، إيران.

f.ardeshiri@whc.ir

المخلص

يُعد الإيمان بالمعاد أحد الأصول العقديّة الرئيسيّة في الأديان التوحيدية، وفي مقدّمها الدين الإسلامي، لما له من أثر بالغ في حياة الإنسان الدنيويّة والأخرويّة. اليوم، يلاحظ ضعف أسس المعتقد، والحداثات والسلوكيات غير اللائقة، والنزوات، وما إلى ذلك، بطرق عديدة بين الشباب و كبار السن في مجتمع اليوم؛ ومن الضروري تعديلها من خلال تذكّر القيامة والإيمان بها. وقد تناول الإمام علي عليه السلام في نهج البلاغة أثر الإيمان بالمعاد في حياة الإنسان من خلال خطبه ورسائله وحكمه. وتبين نتائج الدراسة أنّ الإيمان بالمعاد يؤدي دوراً محورياً في تهذيب سلوك الإنسان على المستويين الفردي

* الاستشهاد بهذه المقالة: عبيد تشاري، مرتضى؛ قاسميان، السيدة مريم؛ أردشيري، فاطمة. (٢٠٢٥). دراسة حول دور الإيمان بالمعاد في تربية الإنسان من منظور نهج البلاغة. إدارة المعرفة الإسلامية، ١٥٥-١٧٣.

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2026.74976.1112>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٧/١٤ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٠/٢٢ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١١/٠٩ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٣/١٠

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights

والاجتماعي، ويعزز رقابته على أقواله وأفعاله، كما يسهم في ترسيخ الأسس العقدية، وتوجيه الأفراد نحو السلوك القويم داخل المجتمع. وتكشف الدراسة كذلك أن استحضار آثار المعاد يرسخ الحياة الإيمانية والروحية في المجتمع، ويهيئ الأرضية لبناء مجتمع مؤمن تسوده القيم الأخلاقية. ومن منظور الإمام علي عليه السلام، فإن الإيمان بالمعاد يبعث في الإنسان النشاط والمثابرة، ويقوي لديه روح المسؤولية وأداء الواجب، ويوقظه من الغفلة، ويخفف تعلقه بالدنيا، ويمنحه الطمأنينة النفسية، كما يعزز نزوعه إلى الفضائل، ويحرره من سلطان الأهواء والشهوات والرذائل. وتتمثل ابتكار هذه الدراسة في إبراز آثار الإيمان بالمعاد في الحياة الفردية والاجتماعية، وبيان إمكانيات توظيفها في معالجة التحديات الفكرية والسلوكية للمجتمع المعاصر.

الكلمات المفتاحية

المعاد، الإيمان بالمعاد، البعد الفردي، البعد الاجتماعي، نمط الحياة، نهج البلاغة.

بررسی نقش باور به معاد در پرورش انسان از منظر نهج البلاغه*

مرتضی عبدی چاری^۱  سیده مریم قاسمیان^۲ فاطمه اردشیری^۳

۱. استادیار، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم. ایران (نویسنده مسئول).

m.abdichari@isca.ac.ir

۲. دانش آموخته سطح سه رشته کلام اسلامی، قم. ایران.

m.ghasemnias95@gmail.com

۳. معاون پژوهش حوزه علمیه خواهران استان مازندران، مازندران، ایران.

f.ardeshiri@whc.ir



چکیده

از اصول مهم اعتقادی ادیان توحیدی از جمله دین مبین اسلام، باور به معاد است؛ این باور تأثیر مهمی در حیات دنیوی و اخروی انسان دارد. ضعف مبانی اعتقادی، گفتگو و رفتار نامناسب، هوس‌بازی و ... در جامعه امروزی در بین جوانان و میان‌سالان فراوان دیده می‌شود؛ که ضرورت دارد، با یاد و باور به معاد آنها را تعدیل کند. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نقش اعتقاد به معاد در زندگی آدمی را در لابلای خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصارش بیان کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این باور نقش مهمی و شایانی در عملکرد انسان، از نظر فردی و یا اجتماعی دارد و مراقب گفتار و کردار خود می‌باشد. و ثمره آن تقویت مبانی اعتقادی و همچنین تعیین رفتار مناسبی برای افراد جامعه دارد. در واقع توجه به آثار معاد نقش سازنده‌ای در زیست معنوی و مومنانه افراد جامعه دارد.

* **استناد به این مقاله:** عبدی چاری، مرتضی؛ قاسمیان، سیده مریم؛ اردشیری، فاطمه. (۱۴۰۳). بررسی نقش باور به معاد در پرورش انسان از منظر نهج‌البلاغه. مدیریت دانش اسلامی، (۲)۶، صص ۱۵۵-۱۷۳.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.74976.1112>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

© ۱۴۰۳ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



و زمینه‌ساز تشکیل جامعه‌ای مومن و معنوی خواهد بود. از دیدگاه امام علی علیه السلام معادباوری انسان را فعال و خستگی ناپذیر می‌سازد. حس وظیفه و مسئولیت پذیری را تقویت و انسان را از خواب غفلت بیدار و آگاه می‌سازد. وابستگی‌اش را به دنیا کم می‌کند. به او آرامش می‌بخشد. گرایش به خوبی‌ها را در انسان تقویت و او را از بند هواهای نفسانی و بدی‌ها رها می‌کند؛ بیان نقش و آثار معاد باوری در زندگی فردی و اجتماعی انسان و کاربردی کردن آن برای جامعه امروزی از جمله نوآوری این مقاله است.

کلیدواژه‌ها

معاد، معادباوری، فردی، اجتماعی، سبک زندگی، نهج‌البلاغه.

مقدمه

جامعه امروزی دچار انواع رذائل اخلاقی چه در خانه و اجتماع شده است. این بد اخلاقی به صورت قارچ گونه در سراسر کشور و دنیا در حال گسترش است. گویا انسان‌های امروزی فراموش کرده‌اند حساب و کتابی در آینده خواهند داشت و این اعمال وبال گردنش خواهد بود، با مروری کوتاه خواهید دید که: قتل و غارت اموال مسلمین چه از راه اختلاس، احتکار، کم فروشی، دروغ، ربا، تجاوز به عنف، خودکشی، دگر کشی و ... در جامعه امروز موج می‌زند و این زنگ خطری است که باید به آن توجه ویژه شود، از اینرو یکی از عوامل مهمی که نقش تأثیرگذار در کنترل رفتار فردی و اجتماعی انسان و تربیت و اصلاح او دارد، اعتقاد به معاد است. به همین دلیل این اصل، یکی از مهمترین اصول قطعی اعتقادی و ضامن احکام انبیا و محرک دین‌داران در انجام وظایف دینی و الهی و بنای دین بعد از ایمان به یگانگی خداوند است و به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن، حضرت علی علیه السلام به عنوان دومین پیشوای معصوم مسلمانان، توجه ویژه‌ای به مقوله‌ی باور به معاد و تأثیرات آن نموده‌اند.

باور به چنین رکن اعتقادی، منشأ آثار سازنده‌ای در ابعاد فردی و اجتماعی در دنیا و آخرت است، از این رو با توجه به اهمیت موضوع معادباوری که نیازمند مطالعه و واکاوی است، این پژوهش سعی دارد معاد باوری و تأثیرات آن را در زندگی انسان از دیدگاه نهج البلاغه مورد بررسی قرار دهد. پیش از این، در این زمینه خانم‌ها: زهرا احمدنژاد، سعیده علی محمدی و فاطمه مرادی کهنکی، و... قلم به دست گرفته‌اند. این مقاله با روش کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سوال است که اعتقاد به معاد به عنوان یکی از ارکان اصول دین، چه آثاری در بعد فردی و اجتماعی انسان دارد.

واژه «معاد» برگرفته از کلمه «عود»، به معنای بازگشت و رجوع (فیروزآبادی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۴؛ قرشی، ۱۳۰۷، ج ۵، ص ۶۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۹۳) و در لغت به معنای «المرجع و المصیر؛ مرجع و برگشتگاه» است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۱۱؛ ابن منظور، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۱۷)؛ البته این واژه می‌تواند به عنوان مصدر میمی، اسم زمان و مکان مورد توجه قرار گیرد و معنای اصطلاحی آن، «زندگی در عالم آخرت» و «حیات پس از مرگ» است.

مقصود از آثار فردی، آن دسته از آثاری است که در زندگی خصوصی و شخصی هر فردی متجلی می‌شود، که لازمه ظهور آن گردآمدن افراد به دور یک محور بوده و تا افراد نباشند آن آثار بروز نخواهد کرد. با توجه به کثرت آثار اعتقاد به معاد، تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. نقش بهینه‌سازی فرصت عمر

ایمان به معاد، حیات بعد از مرگ و اطمینان به ثواب و عقاب عالم آخرت، اثر عمیقی در بهره درست از فرصت‌های باقی مانده عمر دارد و بینش او نسبت به عالم هستی وسعت پیدا می‌کند، دنیا را به عنوان ابزاری جهت نیل به اهداف والای انسانی و رسیدن به زندگی جاوید قرار می‌دهد و به او همت بلند، شهامت و شجاعت می‌بخشد؛ او را یک انسانی پر تلاش در بهینه‌سازی فرصت‌های باقی مانده تبدیل می‌کند و تمام نیرویش را در نیل به رضای خدا انجام می‌دهد تا یک زندگی ابدی و جاودانی همراه با معنویت داشته باشد. چه بسا غنیمت شمردن فرصت‌ها، انسان را پایدار، ابدی و ماندگار می‌کند و گره‌های بسیار مهمی از جامعه برمی‌دارد. در این راستا امام علی (ع) در دو خطبه از نهج البلاغه به این نقش اشاره می‌کند: امام در خطبه ۹۴ بعد ابیان اوصاف خداوند و پیامبران از جمله پیامبر گرامی اسلام (ص) مردم را موعظه می‌کند و دنیا را فرصتی برای عمل می‌داند و آنگاه به چگونگی بهره‌گیری از فرصت‌های بسیار گرانبهایی که انسان در اختیار دارد، اشاره کرده و می‌فرماید: «خداوند شما را رحمت کند، براساس نشانه‌های روشن عمل کنید، راه خدا مستقیم و واضح است که شما را به بهشت می‌خواند، اکنون در محلی هستید که می‌توانید با فرصت و فراغت که دارید رضای حق را به دست آورید، در حالی که پرونده‌ها باز، و قلم‌ها برای ثبت اعمال در جریان، و بدن‌ها سالم، و توبه پذیرفته، و اعمال قبول می‌شود»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۹۴، ص ۱۲۵). و

۱. «اعْمَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ عَلَى أَعْلَامٍ بَيِّنَةٍ، فَالطَّرِيقُ نَهْجٌ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ فِي دَارِ مُسْتَعْتَبٍ، عَلَى مَهَلٍ وَ فَرَاغٍ، وَ الصُّحُفُ مَشْهُورَةٌ وَ الْأَقْلَامُ جَارِيَةٌ وَ الْأَبْدَانُ صَحِيحَةٌ وَ الْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ وَ التَّوْبَةُ مَسْمُوعَةٌ وَ الْأَعْمَالُ مَقْبُولَةٌ».

همچنین در خطبه ۲۳۷ به همان فرصت حیات دنیا اشاره می‌کند. این خطبه بخشی از خطبه غراء است و از خطبه‌های عجیب، پر محتوای امام به شمار می‌رود، آن را در زمانی بیان فرمود که جنازه‌ای را تشییع می‌کرد، هنگامی که میت را در لحد گذاردند، فامیل‌های او فریاد برداشتند و گریه کردند. امام این خطبه را برای حاضران ایراد فرمود. این خطبه در واقع از دو بخش تشکیل یافته است. در بخش اول سخن از سرعت در عمل و استفاده از فرصت‌هاست، چرا که ممکن است مرگ انسان، نابهنگام فرا رسد و فرصت‌ها از دست برود و باب توبه بسته شود. در بخش دوم دستوراتی برای مبارزه با هوای نفس و چگونگی استفاده از این فرصت زندگی دنیا می‌دهد و این خطبه در مجموع نسخه بسیار مفیدی برای رهروان راه سعادت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۵۶۳). امام به حاضرین بر جنازه می‌فرماید: «حال که زنده هستید، عمل نیکو انجام دهید، زیرا پرونده‌ها گشوده، راه توبه آماده، و خدا فراریان را فرا می‌خواند، و بدکاران امید بازگشت دارند. عمل کنید، پیش از آن که چراغ عمل خاموش، و فرصت پایان یافته، و اجل فرارسیده، و در توبه بسته، و فرشتگان به آسمان پرواز کنند. پس هر کسی با تلاش خود برای خود، از روزگار زندگانی برای ایام پس از مرگ، از دنیای فنا پذیر برای جهان پایدار، و از گذرگاه دنیا برای زندگی جاودانه آخرت، توشه برگیرد، انسان باید از خدا بترسد، زیرا تا لحظه مرگ فرصت داده شده، و مهلت عمل نیکو دارد. انسان باید نفس را مهار زند، و آن را در اختیار گرفته از طغیان و گناهان باز دارد، و زمام آن را به سوی اطاعت پروردگار بکشاند»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۷، ص ۳۳۷). امام (علیه السلام) در این خطبه‌ها در عین حال که انداز به کمی فرصت می‌دهد؛ راهنمایی به اعمالی مانند: توبه، عمل صالح، مبارزه با نفس طغیانگر و اعمالی که رضایت خدا را جلب

۱. «فَاعْمَلُوا وَأَنْتُمْ فِي نَفْسِ الْبَقَاءِ، وَ الصُّحُفُ مَشُورَةٌ وَ التَّوْبَةُ مَبْسُوطَةٌ، وَ الْمُدْبِرُ يُدْعَى وَ الْمُسِيءُ يُرْجَى، قَبْلَ أَنْ يَخْتَمَدَ الْعَمَلُ وَ يَنْقَطِعَ الْمَهْلُ وَ يَنْقَضِيَ الْأَجَلُ [تَنْقَضِيَ الْمُدَّةُ] وَ يُسَدَّ بَابُ التَّوْبَةِ وَ تَضَعَدَ الْمَلَائِكَةُ. فَأَخَذَ امْرُؤٌ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَ أَخَذَ مِنْ حَيِّ لِمَيِّتٍ وَ مِنْ قَانٍ لِبَاقٍ وَ مِنْ ذَاهِبٍ لِدَائِمٍ؛ امْرُؤٌ خَافَ اللَّهَ وَ هُوَ مُعَمَّرٌ إِلَى أَجَلِهِ وَ مُنْتَظَرٌ إِلَى عَمَلِهِ؛ امْرُؤٌ أَلْجَمَ نَفْسَهُ بِلِجَامِهَا وَ رَمَاهَا بِرِمَامِهَا، فَأَمْسَكَهَا بِلِجَامِهَا عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ قَادَهَا بِرِمَامِهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ».

می‌کند. می‌فرماید، تا به واسطه آنها از حسرتی که به زودی دچارش خواهد شد بپرهیزد.

۲. نقش بازدارندگی

ایمان به قیامت می‌تواند یک عامل بازدارنده قوی در برابر گناه و خطا کاری باشد و انسان را در برابر گناه کنترل کند، و یک عامل محرک نیرومند برای تشویق سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در راه خدمت به مردم. به تعبیری، گناهان ما با ایمان به خدا و آخرت نسبت معکوس دارند، به هر نسبت که ایمان قوی‌تر باشد گناه کمتر است. خداوند در سوره ص آیه ۲۶، حضرت داود علیه السلام را به وسیله باور به معاد انذار فرمودند و خطاب به ایشان می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ ای داود! ما تو را خلیفه (نماینده خود) در زمین قرار دادیم، پس در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند» (ص، ۲۶). از این رو معلوم می‌شود یاد قیامت از مهمترین کنترل کننده‌های نفس اماره است. این نوع انذار بخاطر اهمیتی که دارد از سیره مرسوم پیامران و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام باور به معاد را اصلاح‌گر و از عوامل مهم بیداری انسان و تربیت کننده روح بشر می‌داند و می‌فرماید: «بهوش باشید، مرگ را؛ که نابود کننده لذت‌ها و شکننده شهوت‌ها و قطع کننده آرزوهاست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، به یاد آورید، و برای انجام واجبات، و شکر در برابر نعمت‌ها و احسان بی‌شمار الهی، از خدا یاری خواهید»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۹۹، ص ۱۲۹). در اینجا، امام علیه السلام از مرگ به سه عنوان یاد کرده: نخست «نابود کننده لذات»؛ چراکه بسیاری از مردم، با تلاش و زحمت وسایل زندگی و عیش و نوش و لذت را از

۱. «أَلَا فَادْكُرُوا هَازِمَ اللَّذَاتِ وَ مُنْعَصِ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعِ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمُسَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ، وَ اسْتَعِينُوا اللَّهَ عَلَىٰ آدَاءِ وَاجِبِ حَقِّهِ وَ مَا لَا يُحْصَىٰ مِنْ أَعْدَادِ نِعَمِهِ وَ إِحْسَانِهِ».

هر جهت فراهم می‌سازند و درست این در زمانی است که نشانه‌های مرگ به صورت انواع بیماری ظاهر می‌شود. اضافه بر این، دیده شده که مجالس عیش و نوش، با یک حادثه به مجلس عزا مبدل گشته و عجب اینکه هیچ تضمینی درباره هیچ کس درباره این خطرها وجود ندارد.

و دیگر: «مکدر کننده شهوات و خواسته‌ها»؛ چرا که مرگ تاریخ و زمان معینی ندارد و به هیچ وجه قابل پیش بینی نیست، در آن لحظه که انسان جرعه‌ای از شهوات و کامیابی را سر می‌چشد، گلایش را می‌فشارد و به همه چیز پایان می‌دهد.

سوم: «قطع کننده آرزوها»؛ چرا که آرزوهای انسان به قدری دامنه دارد که هرگز پایان نمی‌پذیرد، بلکه گاه با گذشت عمر همانند سایه‌ایی که نزدیک غروب آفتاب گسترده‌تر می‌شود، دامنه دارتر می‌شود و تنها چیزی که آرزوها را قطع می‌کند، مرگ است.

این تعبیرات به قدری هشدار دهنده است که هر انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و جالب اینکه می‌فرماید: «از مرگ زمانی یاد کنید که به اعمال قبیح حمله‌ور می‌شوید» (زیرا کلمه «مُساوره» از ماده «سور» بر وزن غور؛ به معنای پریدن، جستن است، گویی عمل زشت به دلیل عدم تقارن با طبیعت و فطرت انسان، از آدمی گریزان است و انسان با جستن و پریدن به سوی آن، آن را انجام می‌دهد) (صبحی، ۱۳۷۰، ص ۹۸). اشاره به اینکه بسیار می‌شود که زشتی‌ها آن چنان زرق و برق دارد و هوای نفس آن را تزیین می‌کند که انسان مانند جانور درنده‌ای که به صید خود حمله می‌کند و بر آن می‌پرد به سراغ آن می‌رود و در این لحظه یاد مرگ می‌تواند عامل بازدارنده‌ای باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴، صص ۳۵۲-۳۴۹).

۳. نقش محرک بسوی تقوا و خویشتن داری

یکی از ویژگی‌های شخص معادباور، تقوا مداری است. تقوا نقطه مقابل گناه و نافرمانی است و حاصل اعتقاد به روز حساب، مراقبه، محاسبه و امید به رحمت الهی را در پی دارد. تقوا در عرف شرع، یعنی نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، به

آنکه امور ممنوع شرعی و محرمات را ترک کند» (راغب اصفهانی، ذیل واژه «تقوا»). امام علی علیه السلام در خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه در وصف تقوا و متقین می‌فرماید: «ای بندگان خدا، شما را به تقوا سفارش می‌کنم که تقوا توشه و پناهگاه است. توشه‌ای است که ما را به منزل می‌رساند و پناهگاهی است، رستگاری دهنده. بهترین دعوت کنندگان که سخن خود به گوش همگان رسانید، مردم را به تقوا دعوت کرد. و آنکه سخن او دریافت، بهترین درک کننده بود. پس دعوت کننده، دعوت خویش به گوش‌ها رسانید و شنوندگان از آن دعوت رستگار شدند. تقوای الهی، دوستان خدا را در حمایت خود قرار داده و آنان را از تجاوز به حریم محرمات الهی نگه‌داشته و خوف خدا را ملازم دل‌های آنان قرار داده است تا آنجا که شب‌های آنها را زنده و بیدار نگه‌داشته و روزهایشان را قرین تشنگی (روزه) کرده است»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴، ص ۱۵۵). این خطبه، نشان می‌دهد که تقوای الهی سرچشمه حرکت به سوی تمام خوبی‌هاست چرا که وقتی انسان در درون خود احساس مسئولیت کند حرکت او به سوی اطاعت اوامر الهی و ترک معاصی آغاز می‌شود، و شب‌زنده‌داری‌ها و روزه گرفتن‌ها بخشی از آثار این خدا ترسی باطنی است که نامش تقوا است. از این‌رو امام برای ترقیب مردم به سوی تقوای الهی نقش معاد را در سرعت بخشیدن به تقوا موثر می‌داند.

امام علی علیه السلام با توصیه به تقوا و تأکید در جمع‌آوری زاد و توشه سفر آخرت می‌فرماید: بیدار باشید دنیا شما را نفریبد. از پایان عبرت انگیز زندگی پیشینیان درس بگیرید؛ «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ، وَ عِثَّةٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاءٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ بِهَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تَنَالُ الرَّغَائِبُ. فَضْلُ الْعَمَلِ: فَاعْمَلُوا، وَ الْعَمَلُ يَرْفَعُ، وَ التَّوْبَةُ تَنْفَعُ، وَ الدُّعَاءُ يَسْمَعُ، وَ الْحَالُ هَادِيَةٌ، وَ الْأَقْلَامُ جَارِيَةٌ؛ وَ بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ، عُمْرًا نَكِيسًا، أَوْ

۱. «أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي هِيَ الرَّادُّ وَ بِهَا الْمَعَادُ، زَادُ مُبْلَغٌ وَ مَعَادُ مُنْجِحٌ، دَعَا إِلَيْهَا أَسْمَعُ دَاعٍ وَ وَعَاها خَيْرٌ وَاعٍ، فَأَسْمَعُ دَاعِيَهَا وَ فَأَرِّ وَاعِيَهَا. عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُحَارِمَةً وَ الزَّمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ، حَتَّى أَشْهَرَتْ لِبَالِهِمْ وَ أَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ ...»

مَرَضًا حَاسِبًا، أَوْ مَوْتًا خَالِسًا فَإِنَّ الْمَوْتَ هَادِمٌ لَدَائِكُمْ وَ مُكَدِّرُ شَهَوَاتِكُمْ وَ مُبَاعِدُ طِبَاتِكُمْ، رَائِثٌ غَيْرُ مُجْبُوبٍ وَ قِرْنٌ غَيْرُ مَغْلُوبٍ وَ وَائِثٌ غَيْرُ مَطْلُوبٍ. قَدْ أَعْلَقْتُكُمْ حَبَائِلُهُ وَ تَكَنَّفْتُكُمْ عَوَائِلُهُ وَ أَفْصَدْتُكُمْ مَعَابِلُهُ وَ عَظَمْتُ فِيكُمْ سَطَوْتَهُ وَ تَتَابَعْتُ عَلَيْكُمْ عَدَوْتَهُ وَ قُلْتُ عَنْكُمْ نَبَوْتَهُ، فَيُوشِكُ أَنْ تَعْشَاكُمْ دَوَاجِي ظُلُلِهِ وَ اخْتِدَامُ عِلَلِهِ وَ حَنَادِسُ غَمَرَاتِهِ وَ غَوَاشِي سَكْرَاتِهِ وَ أَلِيمٌ إِزْهَاقِهِ وَ دُجُوْ أَطْبَاقِهِ وَ [خُسُونُهُ] جُسُوبُهُ مَذَاقِهِ؛ فَكَأَنَّ قَدْ أَتَاكُمْ بَغْتَةً فَأَشْكَتْ نَجِيكُمْ وَ فَرَّقَ نَدِيكُمْ وَ عَفَى آثَارَكُمْ وَ عَطَّلَ دِيَارَكُمْ وَ بَعَثَ وَرَائِكُمْ يَفْتَسِمُونَ تُرَائِكُمْ بَيْنَ حَمِيمٍ خَاصٍّ لَمْ يَنْفَعْ وَ قَرِيبٍ مَحْزُونٍ لَمْ يَمْنَعْ وَ آخَرُ شَامِتٍ لَمْ يَجْزَعْ؛ قطعاً تقوای الهی کلید درستی، و اندوخته قیامت، و رهایی از سلطه هر سلطه گر، و نجات از هر هلاکتی است، خواهند به کمک تقوا به مرادش می رسد، و گریزان (از جهنم) به وسیله تقوا نجات پیدا می کند، و طالب مشتاق به آنچه که رغبت دارد می رسد. پس عمل کنید درحالی که عمل به جانب حق بالا می رود، و توبه سود می دهد، و دعا مستجاب می شود، و زمان زمان آرامش، و قلم کاتبان عمل در کار است، و به بندگی و طاعت بشتابید پیش از آنکه جوانی به پیری رسد، و بیماری شما را از کار بیندازد، یا مرگ شما را برآید. مرگ نابود کننده لذت ها، تیره کننده خواهش های نفسانی، و دور کننده اهداف شماست، مرگ دیدار کننده ای دوست نداشتنی، همآوردی شکست ناپذیر و کینه توزی است که بازخواست نمی شود. دام های خود را هم اکنون بر دست و پای شما آویخته، و سختی هایش شما را فرا گرفته، و تیرهای خود را به سوی شما پرتاب کرده است. قهرش بزرگ، و دشمنی او پیاپی و تیرش خطا نمی کند. چه زود است که سایه های مرگ، و شدت دردهای آن، و تیرگی های لحظه جان کندن، و بیهوشی سكرات مرگ، و ناراحتی و خارج شدن روح از بدن، و تاریکی چشم پوشیدن از دنیا، و تلخی خاطره ها، شما را فرا گیرد. پس ممکن است ناگهان مرگ بر شما هجوم آورد، و گفتگوهایتان را خاموش، و جمعیت شما را پراکنده، و نشانه های شما را نابود، و خانه های شما را خالی، و میراث خواران شما را بر انگیزد تا ارث شما را تقسیم کنند، آنان یا دوستان نزدیکند که به هنگام مرگ نفعی نمی رسانند، یا نزدیکان غم زده ای که

نمی توانند جلوی مرگ را بگیرند، یا سرزنش کنند گانی که گریه و زاری نمی کنند»^۱
(نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰، ص ۳۳۳)؛ و در انتها هم به صفت زاهدان و اعمالی که انسان را برای
آن روز سخت محیا می کند، می پردازد. این بیانات عظیم و مضامین بلند حضرت درباره
نقش و جایگاه معاد باوری نشانگر این است که معاد باوری عامل مهم بلکه اصلی در
ترغیب و ایجاد روحیه تقوی است.

۳. نقش کنترل اعمال

دیگر اینکه اعتقاد به معاد و یا حتی قبول احتمالی آن، در انسان ایجاد مسئولیت،
وظیفه شناسی و تعهد می کند، به گونه ای که تمام افکار و کردار فرد را تحت شعاع قرار
می دهد و در مقابل هر کاری خود را موظف به پاسخ گویی و اندیشه و جست و جوی
حق می داند، باور به معاد برای سردمداران کفر سخت خطرناک محسوب می شد، از
این رو اصرار داشتند به هر طریقی شده فکر معاد و پاداش و کیفر اعمال را از مغز مردم
بیرون کنند. امیر مومنان علی (علیه السلام) در این خطبه نخست، مردم را به مسئله معاد و دادگاه
بزرگ عدل الهی متوجه می سازد و از این طریق، آنها را متوجه مسئولیت های بزرگی
که در دوران خلافتش دارند، می کند و از هر گونه نفاق و دورویی و کارشکنی و
اختلاف، بر حذر می دارد و می فرماید: پایان کار (رستاخیز، قیامت، بهشت و دوزخ) در
برابر شما است و عوامل مرگ، پیوسته شما را به پیش می راند؛ حضرت می فرماید: «فَإِنْ

۱. «فَإِنْ تَقْوَى اللَّهَ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ، وَ عِثٌّ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ بِهَا يَنْجُو الطَّالِبُ وَ
يُنْجُو الْهَارِبُ وَ تُنَالُ الرِّغَائِبُ. فَضْلُ الْعَمَلِ: فَاعْمَلُوا، وَ الْعَمَلُ يُوقِعُ، وَ التَّوْبَةُ تَنْقُصُ، وَ الدُّعَاءُ يُسْمَعُ، وَ الْحَالُ
هَادِتُهُ، وَ الْأَقْلَامُ جَارِيَةٌ؛ وَ بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ، غُمْرًا نَاقِسًا، أَوْ مَرَضًا خَاسِسًا، أَوْ مَوْتًا خَالِسًا فَإِنَّ الْمَوْتَ هَادِمٌ
لَدَائِكُمْ وَ مُكَدِّرُ شَهَوَاتِكُمْ وَ مُبَاعِدُ طِبَائِكُمْ، زَائِرٌ غَيْرُ مَحْبُوبٍ وَ قَوْنٌ غَيْرُ مَغْلُوبٍ وَ وَاتِرٌ غَيْرُ مَطْلُوبٍ. قَدْ
أَغْلَقْنَاكُمْ حَبَائِلَهُ وَ تَكْتَفُّكُمْ غَوَائِلُهُ وَ أَفْصَدْنَاكُمْ مَعَابِلَهُ وَ عَظُمَتْ فِيكُمْ سَطَوْتُهُ وَ تَتَابَعَتْ عَلَيْكُمْ عَذَوْتُهُ وَ قَلَّتْ
عَنْكُمْ نَبَوْتُهُ، فَيُوشِكُ أَنْ تَغْشَاكُمْ دَوَاجِي ظُلُمِهِ وَ اخْتِدَامُ عِلَلِهِ وَ حَنَادِشُ غَمَزَاتِهِ وَ غَوَاشِي سَكْرَاتِهِ وَ أَلِيمُ
إِرْهَاقِهِ وَ دُجُوْ أَطْبَاقِهِ وَ [خُسُوفُهُ] جُشُوبُهُ مَذَاقِهِ؛ فَكَانَ قَدْ أَتَاكُمْ بَغْتَةً فَأَشَكَّتْ نَجِيَّتُكُمْ وَ فَرَّقَتْ نَدِيَّتُكُمْ وَ عَفَى
آثَارَكُمْ وَ عَظَلَ دِيَارَكُمْ وَ بَعَثَ وَرَائَكُمْ يَفْتَسِمُونَ ثُرَائَكُمْ بَيْنَ حَبِيمٍ خَاصٍّ لَمْ يَنْفَعْ وَ قَرِيبٍ مَحْزُونٍ لَمْ يَمْنَعْ
وَ آخِرُ شَامِتٍ لَمْ يَجْزَعْ».

الْغَايَةَ أَمَامَكُمْ وَإِنَّ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ، تَحَقَّقُوا تَلْحَقُوا، فَإِنَّمَا يَنْتَظِرُ بِأَوْلَكُمْ آخِرُكُمْ؛ همانا آخرت پیش روی شماست، و مقدمات قیامت از پشت سر شما را می راند. سبکبار شوید تا ملحق گردید، که رفتگان شما را باز داشته اند تا آخرین شما به آنها ملحق گردند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱، ص ۴۵). حضرت با جمله ای کوتاه اما پرمعنا می فرماید: «تَحَقَّقُوا تَلْحَقُوا» یعنی سبکبار شوید تا به قافله برسید. استاد مکارم شیرازی در شرح این جمله می فرماید: هنگامی که قافله ای به راه می افتد و گروهی در آن شرکت دارند، با رسیدن به گردنه های صعب العبور، گرانباران وامی مانند و از آنجا که قافله، نمی تواند برای مدت طولانی، به خاطر یک نفر یا چند نفر توقف کند، او را رها کرده، خود می روند. چنین کسی، طعمه خوبی برای دزدان و راهزنان یا گریان بیابان است، ولی آنها که سبکبارند، در پیشاپیش قافله حرکت می کنند و زودتر از دیگران به منزل می رسند. انسان ها، در زندگی این جهان، مسافرانی هستند که بار سفر بسته، به سوی سرمنزله مقصود (زندگی ابدی پس از مرگ) پیش می روند. آنها که بار خود را از متاع دنیا سنگین کنند، در فراز و نشیب زندگی می مانند و طعمه شیطان می شوند، ولی پارسایان و زاهدان، سبکبال، از تمام فراز و نشیب ها بسرعت می گذرند و به سعادت جاویدان می رسند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۵).

۴. نقش حسابرسی و حسابگری

از آنجا که آدمی پیوسته در معرض اشتباه و گناه قرار دارد، لازم است حریم حقیقت انسانی خویش را حفظ و به حساب خویش توجه کند تا از فرو لغزیدن خود جلوگیری نماید یا در صورت لغزش، بسرعت باز آمده و جبران خسارت نماید. اگر آدمی به این روش به اصلاح خود نپردازد، دیگر کسی نمی تواند او را اصلاح کند. امام علی علیه السلام درباره لزوم حسابرسی نفس می فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُورَثُوا، وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَ تَنْفَسُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْحَقَاقِ، وَ انْقَادُوا قَبْلَ غُنْفِ السَّيَاقِ؛ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَعْزْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَ رَاجِرٌ، لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَا رَاجِرٌ وَلَا وَاعِظٌ؛ بندگان خدا! (کردار و گفتار) خود را بسنجید، پیش از آنکه آن را

بسجند و به حساب خویش برسید، پیش از آنکه به حسابتان برسند. (فرصت را غنیمت بشمارید)، پیش از آنکه مرگ گلویتان را بگیرد و نتوانید نفس بکشید. رام و گردن نهاده - به راه راست روید - پیش از آنکه به سختی رانده شوید. بدانید آن کس که نتواند خود را پند دهد تا از گناه بازدارد، دیگری را نباید تا این کار را برای او به جای آورد» (نهج البلاغه، خطبه ۹۰، ص ۱۰۹). این خطبه، از خطبه‌های بسیار شیوا و فصیح است که «ابن ابی الحدید معتزلی» هنگامی که به این خطبه می‌رسد سخت تحت تأثیر فصاحت و بلاغت آن قرار می‌گیرد. سپس به مقایسه آن با یکی از بهترین خطبه‌هایی که نویسنده معروف عرب (ابن ابی الشخباء عسقلانی) ایراد کرده می‌پردازد. و ضعف‌های آن خطبه را در برابر این خطبه امیرمؤمنان علیه السلام روشن می‌نماید، و نتیجه می‌گیرد که چنین عباراتی جز از مثل علی علیه السلام صادر نمی‌شود. وی در انتها متعصبانی را که گاه می‌کوشند خطبه‌های نهج البلاغه را به غیر امام نسبت دهند سخت نکوهش می‌کند و آنها را پیروان هوا و هوس می‌شمرد^۱ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۰، صص ۱۲۷-۱۲۹).

۱. العسقلانی و أنا أورد هاهنا خطبة من مواعظه هي أحسن ما وجدته له ليعلم الفرق بين الكلام الأصيل و المولد. أيها الناس فكوا أنفسكم من حلقات الآمال المتعبة و خففوا ظهوركم من الأصار المستحقة و لا تسموا أطماعكم في رياض الأماني المتشعبة و لا تميلوا صغواكم إلى زباج الدنيا المحبة فظل أجسامكم في هشائهما عاملة نصبة أما علمتم أن طابعها على الغدر مركبة و أنها لأعمار أهلها منتهية و لما ساءهم منتظرة مرتقة في هبتها راجعة متعقبة فانضوا رحمكم الله ركائب الاعتبار مشرقة و مغربة و أجروا خيول التفكير مصعدة و مصوبة هل تجدون إلا قصورا على عروشها خربة و ديارا معطشة من أهلها مجدبة أين الأمم السالفة المتشعبة و الجابرة الماضية المتغلبة و الملوك المعظمة المرجبة أولو الحفدة و الحجة و الزخارف المعجبة و الجيوش الحرارة اللجة و الخيام الفضاضة المطنية و الجياد الأعوجية المجنبية و المصاعب الشدقية المصحبة و اللدان المثقفة المدربة و الماذية الحصينة المنتخبة طرقت و الله خيامهم غير متنبهة و أزارتهم من الأسقام سيوفا معطبة و سيرت إليهم الأيام من نوبها كئاثب مكتبة فأصبحت أظفار المنية من مهجهم قانية مختضبة و غدت أصوات النادات عليهم مجلبة و أكلت لحومهم هوام الأرض السغبة ثم إنهم مجموعون ليوم لا يقبل فيه عذر و لا معتبة و تجازى كل نفس بما كانت مكسبة فسعيدة مقربة تجري من تحتها الأنهار مثوبة و شقية معذبة في النار مكبكة. هذه أحسن خطبة خطبها هذا الكاتب و هي كما تراها ظاهرة التكلف بينة التوليد تخطب على نفسها و إنما ذكرت هذا لأن كثيرا من أرباب الهوى يقولون إن كثيرا من نهج البلاغة كلام محدث صنعه قوم من فصحاء الشيعة و ربما عزوا بعضه إلى الرضي أبي الحسن و غيره

در این خطبه با اشاره به اینکه انسان باید قبل از وزن و سنجش اعمال در روز قیامت به حساب خود در این دنیا رسیدگی کند تا صاحب قیمت شود همان گونه که انسان در این دنیا، هنگام انجام معاملات، نخست متاع مورد نظر را وزن می کند، سپس قیمت آن را حساب می کند و اگر در وزن، یا در حساب قیمت، گرفتار اشتباه شود، سرمایه خودش را از دست خواهد داد و گرفتار زیان و خسران خواهد شد؛ در امور معنوی نیز باید چنین کند. ارزش و وزن اعمال خود، بلکه وزن خودش را از نظر ایمان و اخلاق، باید معین کند و بعد به حساب آن برسد، تا اگر ضرر و زیان و کاستی دامن او را گرفته، هرچه زودتر جبران نماید و نوبت به وزن و حساب آخرت نرسد که در آنجا راهی برای جبران نیست و جز ندامت نتیجه ای عایدش نمی شود.

نتیجه گیری

انسان های امروزی در جامعه ای پر از ناآرامی و التهاب زندگی می کنند، بی بندباری، ظلم، خوردن مال حرام، بی عفتی و ضایع کردن خود، از جمله مواردی هست که آرامش خود و جامعه را برهم می زند برای برون رفت یا تعدیل ناهنجاری های فردی و اجتماعی در روایات حضرات معصومین (علیهم السلام) راهکارهایی بیان شده است. امیر

→

و هؤلاء قوم أعمت العصبية أعينهم فضلوأ عن النهج الواضح و ركبوا بنيات «1» الطريق ضلالا و قلة معرفة بأساليب الكلام و أنا أوضح لك بكلام مختصر ما في هذا الخاطر من الغلط فأقول. المأخذ و المذهب و الفن و الطريق و النظم لباقي الآيات و السور و لو كان بعض نهج البلاغة منحولا و بعضه صحيحا لم يكن ذلك كذلك فقد ظهر لك بهذا البرهان الواضح ضلال من زعم أن هذا الكتاب أو بعضه منحول إلى أمير المؤمنين (عليه السلام). و اعلم أن قائل هذا القول يطرق على نفسه ما لا قبل له به لأننا متى فتحنا هذا الباب و سلطنا الشكوك على أنفسنا في هذا النحو لم نثق بصحة كلام منقول عن رسول الله ص أبدا و ساغ لطاعن أن يطعن و يقول هذا الخبر منحول و هذا الكلام مصنوع و كذلك ما نقل عن أبي بكر و عمر من الكلام و الخطب و المواعظ و الأدب و غير ذلك و كل أمر جعله هذا الطاعن مستندا له فيما يرويه عن النبي ص و الأئمة الراشدين و الصحابة و التابعين و الشعراء و المترسلين و الخطباء فلناصري أمير المؤمنين (عليه السلام) أن يستندوا إلى مثله فيما يروونه عنه من نهج البلاغة و غيره و هذا واضح.

ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ق.

المومنین علیهم‌السلام در نهج‌البلاغه شریف، مهمترین راهکار را یاد مرگ و اعتقاد به معاد دانسته و در خطبه‌ها و نامه‌هایش به این مسئله مهم گوشزد کرده است. ایشان نقش معاد را در زندگی فردی بسیار مهم دانسته و با بیان اینکه یاد مرگ باعث می‌شود به فرصت‌ها و بازنگری اعمال بیشتر توجه کند که ثمره آن تقوای الهی و عمل صالح است تا در نهایت به آرامش در دنیا و آخرت برسد. اعتقاد به معاد و زندگی اخروی نقش مهمی در حیات دنیوی انسان دارد. نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از متون مهم دین اسلام به برخی از این آثار مهم اشاره کرده است. از جمله آثار فردی معادباوری در نهج‌البلاغه می‌توان به زایل شدن گناهان، ذکر و یاد خدا، دعا و نیایش، عدم دلبستگی به دنیای زودگذر و فانی، توبه، انجام عمل صالح و پرهیز از امور ناپسند اشاره کرد. معادباوری افزون بر موارد یاد شده نقش مهمی در امانت‌داری از بیت المال و حقوق مردم، پرهیز از ظلم و ستم، رشوه، پرهیز از غضب و خشونت خواهد داشت. این مهم با پیروی کردن از بیان‌های ائمه عظام علیهم‌السلام خصوصا خطبه‌ها، نامه‌ها و اندرزهای حضرت امیر المومنین علیه‌السلام برای انسان‌های امروزی رهگشا می‌باشد.

منابع

* قرآن کریم.

امیرالمومنین. (۱۳۸۹). نهج البلاغه (مترجم: محمد دشتی، چاپ چهارم). قم: انتشارات نشتا، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام.

ابن أبی الحديد، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن أبی الحديد. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۶۹). لسان العرب. لبنان: دار الفكر.

جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۰). معاد در قرآن (ج ۴). قم: نشر اسراء.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالقلم.

سبحانی، جعفر. (۱۳۵۸). معاد انسان و جهان. تهران: انتشارات صدر.

صالحی مازندرانی، اسماعیل؛ صالحی مازندرانی، محمدعلی. (۱۳۸۴). معاد. قم: صالحان.

صبحی، صالح. (۱۳۷۰). فرهنگ نهج البلاغه (مترجم: مصطفی رحیمی نیا). تهران: اسلامی.

طریحی، فخرالدین بن محمدعلی. (۱۳۷۵). مجمع البحرين (محقق: احمد حسینی اشکوری). تهران: مكتبة المرتضوية.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۴ق). تاج العروس فی شرح القاموس (محقق: علی شیری). بیروت - لبنان: دارالفکر.

قرائتی، محسن. (۱۳۲۴). معاد. قم: مؤسسه در راه حق.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۰۷). قاموس القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۶). معاد و جهان پس از مرگ (چاپ دوم). نشر مطبوعاتی هدف.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام (با همکاری جمعی از فضلا، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.